

نظام حقوقی دریای خزر

سید هادی پژوهان

عضو هیئت علمی گروه حقوق مؤسسه آموزش عالی شمال - آمل



چکیده

دریای خزر به عنوان بزرگترین مجموعه بسته آبی جهان با اختتام حیات یکی از مهم‌ترین نظامهای سیاسی جهان، نه تنها به اندازه‌ی عظمت مادی‌اش بلکه به مراتب مهم‌تر از آن به جهانیان رخ نشان داده است و به گونه‌ای که هم اینک یکی از کانون‌های برجسته دنیا از جهات گوناگون تبدیل شده است. در این نوشته ضمن توجه به جنبه‌های گوناگون اهمیت و جایگاه دریای خزر، وضعیت حقوقی موجود آن و لزوم تأسیس بناهای حقوقی از نوع دیگر براساس دیدگاه و مواضع ۵ کشور ساحلی آن پرداخته شده است. نهایتاً هر چند میان کشورهای حاشیه‌ای اختلافاتی وجود دارد لکن روند تحولات به گونه‌ای است که همه آنان تمایل به تقسیم دریای خزر صرف‌نظر از چگونگی آن دارند.

واژه های کلیدی:

رژیم حقوقی، دریای خزر، تقسیم کردن، کشورهای ساحلی.

نخست - کلیات

گفتار اول - پیشینه تاریخی دریای خزر

دریاچه مازندران که به علت وسعت آن همواره دریای مازندران خوانده شده است در شمال سلسله جبال البرز قرار گرفته و در طول تاریخ اسامی متعددی داشته است. قدیمیترین نام آن (هیر کانا) بوده و بعداً اسامی دیگری چون آبسکون، دریای طبرستان، دریای قزوین، دریای دیلم، دریای گرگان، دریای ساری و خزر به خود گرفته است. در حال حاضر رایج‌ترین نام آن در فارسی دریای مازندران است. (۵)

اگر چه نویسنده فوق رایج‌ترین نام دریای موضوع تحقیق به زبان فارسی را دریای مازندران قلمداد کرده است ولی عده‌ای دیگر قابل به آن می‌باشند که رایج‌ترین نام آن دریای خزر باشد. شاید با توجه به منابع کتب درسی که در مراحل قبل از دانشگاه در ایران تدوین و نگاشته شده و می‌شود و یا حتی در کتب مربوط به دوران دانشگاهی واژه خزر بیشتر مورد استعمال و استفاده واقع می‌شود و عبارت زیر به خوبی می‌تواند روشنگر این امر باشد که نام مازندران برای دریای مورد بحث نامی غریب و نامأنوس تری در مقایسه با خزر باشد.

دریایی که ما در ایران آن را دریای خزر می‌نامیم در خارج از ایران به نام (کاسپین) یا دریای قزوین شناخته می‌شود. ما در ایران این دریا را به نام قوم (خزر) که در کرانه‌های شمالی آن مسکن داشتند و پایتختشان ایتل در مصب رود و لگابود می‌خوانیم و دیگران آن را بنام قوم (کاسپ) که در کرانه‌های جنوبی دریا - در قلمرو ایران - زندگی می‌کردند می‌شناسند و (کاسپ) قومی است که شهر کنونی قزوین نیز با نام آنها خوانده می‌شود. (۲)

فارغ از هرگونه تعصب باید گفت که اقوام و مردمان ساکن در شمال و جنوب دریا، دریا را به اسم قوم نقطه مقابل خود نام‌گذاری و مورد استفاده قرار می‌داده‌اند. بر این اساس ایرانیان که در بخش جنوبی دریا قرار دارند در نام‌گذاری این دریا از نام قوم شمالی آن یعنی (خزر) استفاده کرده و می‌نمایند.

در عهد نامه مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ و اسناد مربوط به آن از هیچیک از عناوین متقابل یعنی خزر و یا کاسپین استفاده نشده است بلکه طرفین این معاهده همواره از آن به عنوان (دریای ایران و شوروی) یاد کرده‌اند.



مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین آشنایی بشر با این دریا که به صورت مکتوب در دسترس ماست اطلاعاتی است که در کتاب زرتشت مورد اشاره واقع شده است و یا تاریخ نگاران و جغرافی دانان یونانی در سده‌های پنجم و ششم پیش از میلاد در آثار خود از این دریا نام برده‌اند.

گفتار دوم - موقیت جغرافیایی و طبیعی

دریاچه خزر بزرگترین دریاچه بر روی کره زمین می‌باشد و این عظمت باعث شده در کلیه زبانهای دنیا به آن دریا اطلاق نمایند نه دریاچه (۲۹) این دریا یعنی دریای خزر در شمال غربی آسیا و میان کشورهای آذربایجان، ایران، قزاقستان و ترکمنستان محصور است.

درازای دریای مازندران از شمال به جنوب ۱۲۰۴ کیلومتر، میانگین پهناي آن ۳۲۰ کیلومتر و در ازای خط کرانه‌ای آن ۶ هزار و پانصد کیلومتر است که ۶۵۷ کیلومتر کرانه ایران ۸۲۰ کیلومتر کرانه آذربایجان و ۱۹۰۰ کیلومتر کرانه قزاقستان و بقیه کرانه روسیه و ترکمنستان است.

این دریا دارای $440/000$ کیلومتر مربع مساحت می‌باشد و حد اکثر عمق آن ۱۰۲۵ متر می‌باشد. (۲۳)

اکنون سطح دریای مازندران از سطح آبهای آزاد ۲۸ متر پایین‌تر است. این در آغاز دریاچه‌ای با آب شیرین بوده است ولی رودهایی که به آن می‌ریزند املاح معدنی را با خود به درون دریا حمل کرده و به تدریج شوری آب آن تا میزان کنونی رسیده است.

از نظر وسعت پنج برابر دریاچه سوپریور که دومین دریاچه بزرگ دنیا است و در امریکای شمالی قرار گرفته می‌باشد طبقه‌بندی دریای خزر به دریا یا دریاچه می‌تواند بر روی اصول تحدید میان کشورهای حاشیه آن مؤثر باشد.

دریای مازندران دارای جزایر بسیاری است که تقریباً همه آنها فلاتی و شنی و محل مناسبی برای زندگی مرغان دریایی هستند. معروفترین جزایر نزدیک به ایران، آپسکون و آشوراده است. جزایر آپسکون به روایت تاریخ نویسان، محل درگذشت سلطان محمد خوارزمشاه بوده است شبه جزیره میانکاله در نزدیک بندر ترکمن و شبه جزیره غازیان در بندر انزلی از جمله شبه جزایر دریای مازندران در سواحل ایران هستند. (۷)

دریای مازندران حدود ۵۰ جزیره بزرگ و کوچک دارد که کل پهنه آن حدود ۳۵۰ کیلومتر مربع است. از شمال خاوری دریا به سوی باختر و شمال باختر، رودهای امبا، اورال و ولگا وارد دریای مازندران می‌شوند. در کرانه باختری دریای شمال به سوی جنوب رودهای کوما، ترک، سولک، سمور، کورا و ارس قرار دارند.

در کرانه خاوری این دریا تا دهانه رودخانه اترک در خلیج حسینقلی یا غازان قلی هیچ رودی وارد دریا نمی‌شود. در کرانه ایران رودهای بسیاری وارد دریای مازندران می‌شوند نام برخی از رودهای مهم مربوط به بخش ایران، عبارتند از رودهای گرگان قره سو، نکا، تجن، تالار، هراز، چالوس چشمه کیله شهسوار، پل رود، شلمان رود، چمنخاله، سفید رود، چابکسر، شاخزر، ماسوله، بابل، فریدونکنار، آستارا و ... (۳)

گفتار سوم - جهات اهمیت دریای خزر

با فروپاشی شوروی سابق حوزه دریای خزر پس از مدت کوتاه چند ساله به یکی از صحنه‌های مهم بین‌المللی تبدیل شده است. اگر چه این منطقه از جهان به دلایل جغرافیایی، سیاسی و یا ژئوپولیتیک واجد اهمیت اساسی است اما آنچه که جایگاه این دریا را پررنگ‌تر متجلی ساخته است و یا حداقل سبب شده است که افکار عمومی جهانی و منطقه‌ای معطوف به آن گردد وجود رقابت و چالش کشورهای بزرگ دنیا و دخالت آنها در جوانب مختلف از جمله از جمله موضوع انرژی است.

وجود برخی گونه‌های منحصر به فرد در دریای مازندران و شرایط زمین شناختی خاص آن به لحاظ بسته بودن و توجه و اهتمام در ارتباط با موضوعاتی نظیر حفظ گونه‌های مختلف جانوری و حفاظت از محیط زیست آن را طلب می‌نماید. در همین راستا به اجمالاً به هر یک از موضوعات فوق اشارتی می‌رود.

الف - انرژی

مهمترین منابع انرژی که از نظر اقتصادی با ارزش و حیاتی می‌باشند در دریای مازندران وجود دارد این منبع بسیار مهم همان نفت و گاز می‌باشد. اکنون اگر چه آمار دقیقی از میزان نفت و گاز دریا موجود نیست لکن توجه و روی آوری کشورهای مصرف کننده مهم این دو



انرژی و شرکتهای معتبر گاز و نفت جهان دلالت بر این دارد که حوزه خزر از نظر نفت و گاز در شمار غنی‌ترین مناطق انرژی جهان می‌باشد.

ذخایر پر ارزش نفت و گاز در زیر بستر و اطراف دریای خزر نهفته‌اند. نفت بیشتر در قزاقستان و آذربایجان و گاز در ترکمنستان. ذخایر شناخته شده به میزان دریای شمال بر آورد گردیده است. ۱۶ میلیارد بشکه نفت و ۸/۳ میلیون متر مکعب گاز بر طبق برآورد دولت ایالات متحده، همچنین ذخایر احتمالی بسیار بیشتر حدس زده می‌شود. ۱۶۳ میلیون بشکه از نفت و ۱۷/۶ میلیون متر مکعب از گاز که برابر ۱۶ درصد از کل موجودی شناخته شده نفت و ۱۲ درصد از کل موجودی گاز جهان در سال ۱۹۹۶ است. (۱۷)

از پنج کشور ساحلی در دریای خزر وابستگی ایران و روسیه به منابع نفت و گاز این حوزه کم می‌باشد برای آن این دو کشور هر یک با داشتن منابع عظیم نفت و گاز در مناطق دیگر خود همچنان به عنوان یکی از بزرگترین تولیدکننده نفت و گاز جهان محسوب می‌شوند. به همین علت اهمیت نفت و گاز برای کشور دیگر که هم اکنون از منابع این منطقه استحصال می‌نماید شایان اهمیت است این گفته بدین مفهوم نیست که دو کشور ایران و روسیه نسبت به سهم انرژی خود بی تفاوت باشند. بلکه به این معناست که سه کشور دیگر وابستگی بیشتری به این انرژی خواهند داشت.

ذخایر ترکمنستان ۶۳۰ میلیون تن و یا ۴/۵ میلیارد بشکه تخمین زده شده است. تولید سالانه گاز ترکمنستان به ۸۰ میلیارد متر مکعب بالغ می‌گردد. ذخایر گاز این کشور را پس از روسیه، امریکا و کانادا در دنیا مقام چهارم به حساب می‌آورند. در قزاقستان سالانه ۲۵ میلیارد تن نفت و ۷/۵ میلیارد متر مکعب گاز استخراج می‌شود. ذخایر این کشور ۲ میلیارد تن و یا در تخمین دیگر ۵۰ میلیارد بشکه تشخیص داده شده است. در آذربایجان ذخایر نفتی حوزه‌های چراغ و حوزه زیر آبی گونشلی تا گنجایش ۴ میلیون بشکه در روز قابل بهره‌برداری است. ذخایر این منطقه از برنت دریای شمال و استاتیفجورد نیز بزرگتر است. (۱۳)

از آنچه گفته شد می‌توان به خوبی استنباط کرد که حوزه دریای خزر یکی از منابع مهم نفت و گاز بوده، استخراج و عرضه آن علاوه بر اینکه برای کشورهای منطقه بویژه کشورهای تازه استقلال یافته آن واجد اهمیت به سزایی است می‌تواند بر روی قیمت جهانی نفت و گاز مؤثر باشد.

نزدیکی منطقه به بازار مصرف اروپا نیز اهمیت آن را مضاعف می‌گرداند. اطلاق خلیج

فارس دیگر اگر چه ممکن است اغراق‌آمیز باشد بلکه تا حدود زیادی وزن و ارزش آن از لحاظ منابع انرژی است.

ب- تنوع بیولوژیکی

دریای مازندران با استفاده از آبهای ورودی خود، رسوبهای فراوانی را به درون خود راه می‌دهد. این رسوبها محیطی را بوجود می‌آورند، که برای افزایش پلانکتون‌های گیاهی، جانوری، نرم‌تنان، سخت‌پوستان و ماهیان بسیار مناسب است. فراوانی بی‌مهرگان و مهره‌داران کوچک سبب شده است، تا این بخش از دریا به صورت چراگاه گسترده‌ای برای خوراک، افزایش و رشد ماهیان بزرگ مانند ماهیان خاویاری تبدیل شود.

از نظر تاریخی ۹۰ درصد ماهی استروژن و ۹۵ درصد خاویار سیاه جهان در دریای خزر تولید می‌شود. تعداد ماهیان استروژن از ۲۰۰ میلیون قطعه در سال ۹۰ به ۵۰ تا ۶۰ میلیون قطعه در سال ۹۵ کاهش یافته است.

در آمد کشورهای ساحلی از فروش آبزیان سالانه حدود ۶ میلیارد دلار بانع می‌شود. در دریای خزر ۷۲۷ گونه جانوری از ۳۷۴ جنس زندگی می‌کنند که حدود ۷ درصد این تعداد صرفاً محدود به این پهنه آبی می‌گردد. در دریای خزر تاکنون ۱۰۰ گونه ماهی، ۱۳۹۴ بی‌مهره، ۵ گونه گیاه عالی و یک گونه پستاندار دریایی (فک دریای خزر) شناسایی گردیده است. (۱۱)

ج- حفاظت از محیط زیست

با توجه به دو اهمیت یاد شده دریای خزر در زمینه انرژی و تنوع بیولوژیکی اقتصاد دارد که از محیط زیست آن حفاظت به عمل آید چون دریای خزر در ردیف دریاهاست که قرار دارد. بنابراین اصلی‌ترین عوامل آلودگی دریا، یا از طریق رودخانه‌هایی است که وارد دریا می‌شوند، یا از طریق حفاری‌های نفتی و یا حوادث و سوانح نفتی است که محیط دریا را می‌آلیند.

میزان آلودگی دریای خزر از طریق رودخانه‌ها (ورود انواع فاضلاب و پسابهای صنعتی) و بطور کلی از طریق میزان آب ورودی کشورها به دریا می‌توان تشخیص داد.



آب وارد شده به دریای خزر معادل ۲۶۰ تا ۳۴۰ کیلومتر مکعب در سال برآورد گردیده که تنها ۵ درصد آن از رودخانه‌های ایران تأمین می‌گردد و برپایه آمار موجود در یک دوره ۹۴ ساله (۱۹۰۰ تا ۱۹۹۳) حدود ۸۱ درصد آب ورودی به رودخانه ولگا تعلق دارد. (۱۲)

با در نظر گرفتن این مطلب که رودخانه ولگا به تنهایی بیش از ۸۰ درصد آب دریا را تأمین می‌نماید و اینکه جمهوری آذربایجان و دیگر جمهوریها برای سالیان دراز به بهره‌برداری و عملیات اکتشاف نفت را آغاز کرده‌اند، در نتیجه بیشترین نقش را در آلوده ساختن آب دریا داشته‌اند. وضعیت فعلی و تمایل جمهوری‌های تازه استقلال یافته در جهت تأمین نیازهای اقتصادی می‌تواند دریای خزر را در شرایط کاملاً بحرانی و یا احتمالاً خطرناک قرار دهد و بهمین خاطر کشورهای حاشیه آن باید برای استفاده پایدار و دائمی در جهت دستیابی به یک امنیت زیست محیطی در منطقه به تدابیر اصولی دست یابند.

دوم- رژیم حقوقی (وضعیت حقوقی)

گفتار اول - وضعیت حقوقی موجود

بحث و جدل و کشمکش بر سر رژیم حقوقی دریای خزر بدین مفهوم نیست که این مجموعه بزرگ آبی بطور کلی از هرگونه رژیم حقوقی‌ای بی‌بهره باشد بلکه در ادوار مختلف از نظامهای حقوقی متنوعی برخوردار بوده است. تا قبل از قرن نوزدهم و انعقاد معاهدات کاملاً یک جانبه گلستان (۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ و ترکمنچای (۲۲ فوریه ۱۸۲۸) بخش بزرگی از دریای مازندران و سواحل آن تحت حاکمیت دولت ایران بوده است و حاکمیت ایران تا زمان انعقاد معاهدات فوق هرگز مورد سؤال و تردید واقع نشده است. با انعقاد دو معاهده طی مدت زمان موقت تا حدودی محدودیت‌هایی بر حاکمیت ایران وارد شده است، بدین صورت که در معاهده گلستان (روسیه با تأکید بر برتری نظامی استفاده بهتر از دریا را برای کشتی‌های (ناوگان) نظامی خود به طور انحصاری تحصیل می‌کند. این حق انحصاری در معاهده ترکمنچای در ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ مورد تأکید قرار می‌گیرد.) (۲۰)

این وضعیت با انعقاد معاهدات دیگر و بویژه نخستین آن یعنی معاهده مودت در سال ۱۹۲۱ به صورت بنیادین دگرگون می‌شود.

الف - ایران و شوروی سابق

رژیم حقوقی موجود درباره دریای مازندران به موجب یک سری معاهداتی فی‌مابین دولت ایران و دولت شوروی سابق برقرار شده است. سه موافقتنامه عمده میان دو دولت عبارت است از:

۱ - پیمان دوستی (مودت) ۱۹۲۱

۲ - موافقتنامه تأسیس کشتیرانی و بازرگانی ۱۹۳۵

۳ - موافقتنامه ۱۹۴۰ راجع به کشتیرانی و بازرگانی

غالب مقالاتی که از سوی نویسندگان به رشته تحریر در آمده است به معاهده ۱۹۳۵ اشاره‌ای ندارد. شاید این بدان دلیل است که موضوع این معاهده با معاهده ۱۹۴۰، واحد بوده و نتجتاً در دو معاهده با موضوع و اطراف واحد این معاهده موخر است که واجد ارزش حقوقی است.

اهم موضوعات و مقرراتی که در موافقتنامه‌های فوق آمده است شامل موارد آتی است.

در زمینه کشتیرانی

ماده ۱۴ موافقتنامه ۱۹۳۵ و ماده ۱۳ معاهده ۱۹۴۰ حاوی مقررات مشابهی می‌باشند و هر دو بر توافق متعاقدين تأکید دارند که در تمام دریای مازندران کشتیرانی صرفاً متعلق به ایران و اتحاد جماهیر شوروی یا متعلق به اتباع یا سازمانهای حمل و نقل دو طرف معاهده است که تحت پرچم اتحاد جماهیر شوروی حرکت می‌نمایند. لازم به یادآوری است که این مقررات قابل تفکیک میان کشتی‌های نظامی و غیر نظامی نشده است.

در زمینه ماهیگیری

به استناد معاهده ۱۹۴۰ صید ماهی به استثنای محدوده ۱۰ مایلی از خط ساحلی که بطور انحصاری به طرفین تعلق دارد در سراسر دریای مازندران صرفاً متعلق به دو کشور می‌باشد. نکته مهم و برجسته‌ای که در معاهده ۱۹۴۰ به چشم می‌آید آن است که طرفین معاهده این دریا را (دریای ایران - شوروی) نام نهاده‌اند که این وجه تسمیه مسلماً می‌تواند مفاهیم حقوقی مختلفی را در پی داشته باشد.



مطالعه در معاهدات تنظیم شده توسط دولت ایران و شوروی (سابق) رسانای آن است که این موافقتنامه‌ها در بردارنده همه موضوعات مربوط به دریای مازندران نمی‌باشد. «برای مثال، این توافقات، مقررات مربوط به جلوگیری از آلودگی دریای خزر و حفاظت از محیط زیست دریای خزر را شامل نمی‌شود. همچنین این موافقتنامه‌ها یک نظام برای نحوه بهره‌برداری از منابع موجود در بستر و زیر بستر دریا را ایجاد نمی‌نماید. علاوه بر آن، وجود مقررات قراردادی، خط تحدید حدود (خط مرزی) برای دریای خزر را معین نمی‌کند.» (۱۵)

ب - اعتبار معاهدات موجود

همانطوری که ملاحظه گردید دو دولت ایران و اتحاد شوروی سابق قبل از حدوث شرایط جدید تابع نظام حقوقی ای بوده‌اند که در دو کنوانسیون ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تدوین یافته است. حال پرسشی که مطرح است آن است که آیا مطابق حقوق بین‌الملل این کنوانسیون از ارزش و اعتبار برخوردار می‌باشند یا خیر؟

در خصوص اعتبار حقوقی آن معاهدات تا قبل از بروز شرایط نوین با توجه به آنچه گذشت نیازی به تکرار ندارد و بعد از فروپاشی شوروی و تولد پنج کشور و جایگزینی جمهوری روسیه به جای شوروی سابق، جمهوری روسیه بر اهمیت و اعتبار موافقتنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تأکید داشته است. وزارت امور خارجه روسیه در اعتراض به مذاکرات شرکت‌های غربی با آذربایجان برای انجام عملیات و توسعه بهره‌برداری از دریای کاسپین در ۲۸ آوریل ۱۹۹۴ خطاب به سفیر بریتانیا اعلام نمود:

وضعیت حقوقی و مقررات دریای کاسپین توسط قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ شوروی - ایران تعیین می‌شود.

بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، روسیه، ایران و دیگر کشورهای دریای خزر در فقدان قراردادهای دیگر متعهد به این قرارداد هستند. (۲۱)

دولت روسیه در یادداشت مورخ ۵ اکتبر ۱۹۹۵ که در سازمان ملل ثبت شده با قاطعیت و صراحت بیشتری از اعتبار معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و نظام حقوقی متکی بر این دو حمایت می‌کند در این یادداشت روسیه متذکر می‌گردد، قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بر وضعیت حقوقی دریای خزر حاکمیت دارند و کشورهای ساحلی موظف به رعایت شرایط آن هستند، لذا

کشورهای ساحلی باید از هر اقدام یکجانبه در روابط با توسعه و بهره‌برداری از منابع معدنی دریای خزر خودداری کنند. (۲۲)

طرف دیگر دو کنوانسیون یاد شده یعنی دولت ایران نیز بر اعتبار و اهمیت معاهدات اعلام نظر نموده‌اند.

موضع جمهوری اسلامی ایران کم و بیش در جهت قدرت اجرایی قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بوده است در عین حال پیشنهادهای درباره افزایش حوزه انحصاری ماهیگیری از ۱۰ مایل به ۲۰ مایل مطرح شده است. (۸)

آنچه از سیاست خارجی ایران در حوزه دریای خزر استنباط می‌شود آن است که در توافقتنامه منعقد فیما بین ایران و اتحاد شوروی ۱۹۲۱ (موسوم به معاهده مودت) و ۱۹۴۰ (موسوم به معاهده بازرگانی و دریانوردی) هنوز معتبر و لازم الاجراست. (۲۵)

همچنین دولتهای مستقل ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان و روسیه بر وفق بیانیه مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ آلمان تا التزام خود را به مفاد معاهداتی که از سوی اتحاد جماهیر شوروی سابق امضاء شده بود اعلام داشته‌اند. (۲۴)

به عنوان یک قاعده باید اظهار داشت که صرفنظر از اعلام مواضع فدراسیون روسیه و دولتهای تازه استقلال یافته، این کشورها به معاهداتی که قبل از ایجاد آنها توسط کشور پیشین (دولت شوروی سابق) منعقد شده است پایبند می‌باشند. این امر در کنوانسیون وین درباره جانشینی دول از لحاظ معاهدات (هنوز لازم الاجراء نشده است) ضمن بند یک (الف) ماده ۳۴ پیش‌بینی شده است. (۹)

نظر بر معاهدات موجود فیما بین ایران و شوروی سابق که به معاهدات مودت و کشتیرانی و بازرگانی نامیده شده‌اند، بنابراین در دسته معاهدات شخصی قرار دارند که بر این اساس (معاهدات شخصی یا قراردادی نظیر معاهدات مودت، همکاریهای اقتصادی، بازرگانی و غیره که بخش اعظمی از معاهدات بین‌المللی را تشکیل می‌دهند در صورت تجزیه یا فروپاشی یک کشور و تبدیل آن به دو یا چند کشور جدید، یا جدایی قسمتی از یک کشور و تأسیس یک کشور جدید و یا وحدت دو یا چند کشور و تأسیس یک کشور جدید کلاً به کشور یا کشورهای جانشین منتقل یافته و تداوم خواهند داشت. (۱۴)

تسری معاهدات فوق به کشورهای جدیدالتأسیس ناشی از مقررات حقوق عرفی است و کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات از جهت دیگر قابل استناد و استفاده است و



حتی در پاسخ به استدلال دولت آذربایجان مبنی بر تغییر اساسی اوضاع و احوال بکار می‌آید. از آنجائیکه معاهدات موجود به نوعی در ردیف معاهدات مربوط به سرحدات و مرز تلقی نمائیم، در چنین صورتی تغییرات بنیادین اوضاع و احوال در رابطه با نظام حقوقی دریای مازندران از محمل حقوقی برخوردار نیست. مبنای این استدلال بند (الف) ماده ۶۲ کنوانسیون وین است که مقرر می‌دارد اگر معاهده‌ای باشد که مرز را تعیین نماید، تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر اعتبار آن تأثیری نمی‌گذارد.

در مجموع می‌توان گفت با وجود دو معاهده یاد شده دریای خزر دارای نظام حقوقی معتبر منطبق با موازین بین‌المللی است و تا زمانیکه با توافق همه دول توافق جدیدی که ناسخ دو موافقتنامه موجود باشد، خلق نگردد، آن معاهدات حیات حقوقی دارد.

گفتار دوم - رژیم حقوقی جدید

اگر چه حقوق معاهدات، دریای مازندران واجد یک نظام حقوقی می‌باشد و نمی‌توان از آن به سادگی عدول کرد و به تعبیر دیگر دریای مازندران هم اینک از نظر حقوقی بطور کلی در خلاء قرار ندارد، ولی همچنانکه قبلاً بیان شده است این موافقتنامه‌ها حاوی همه موضوعات نبوده و بسیاری از مسائل مربوط به دریا که امروز حائز اهمیت فراوان می‌باشد در کنار تغییر در شرایط ژئوپولیتیک منطقه یعنی تولد کشورهای جدید ضرورت دستیابی به توافق‌های جدید را بسیار آشکار می‌نماید. رفتار برخی از دول حاشیه‌ای که بعضاً به صورت یکجانبه و یا دو یا چند جانبه بروز می‌نمایند مبین آن است که معاهدات قدیمی نمی‌تواند پاسخگوی همه ابعاد مربوط به دریا باشد. از ۱۹۹۱ به بعد کشورهای ساحل دریای مازندران رفتارهای اتخاذ کرده که بررسی آن رفتارها و مواضع می‌تواند به ما یاری نماید که این کشورها به دنبال چه می‌باشند. مسلماً این امر پیش‌بینی و یا پیشنهاد نظام حقوقی‌ای که هر چه بیشتر با واقعیات منطبق باشد و به گونه‌ای شامل برآیند مواضع همه کشورها باشد تسهیل را می‌نماید.

الف - مواضع کشورهای ساحلی

۱ - روسیه

موضع این کشور با توجه به اعتبار و وجهه بین‌المللی‌اش از اهمیت قابل توجهی برخوردار

است و این امر با توجه به اینکه جز دولت ایران، بقیه دول ساحلی وابستگی‌های تنگاتنگی که با دولت روسیه بنا به دلایل تاریخی، سیاسی و اقتصادی دارند، برجسته و پررنگ‌تر خواهد بود. مالا دستیابی به موضع مشترک میان دولت روسیه از یکسو و جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان از سوی دیگر امکان پذیر می‌نماید.

بررسی سیر دیدگاه‌های دولت روسیه دلالت بر آن دارد که این جمهوری خود را در ارتباط با این مسئله در وضعیت با ثباتی قرار نداده است. (روسیه تا سال ۱۹۹۸ بر رژیم مبتنی بر استفاده مشترک و ممنوعیت اعمال اقدامات بدون توافق کلیه کشورها تأکید می‌نمود و از سال ۱۹۹۸ عمدتاً با رفتارها و اقدامات یکجانبه و یا چند جانبه بر رژیم افراز یا تقسیم خزر تأکید نموده است.) (۱۰)

قبلاً در اعتبار معاهدات موجود دیدگاه دولت شوروی در پیرامون معاهدات مطرح شده است. این دیدگاه مشعر بر اعتبار آن معاهدات بوده و تا زمانیکه توافق جدیدی تحصیل نشده است هر یک از کشورها می‌توانند برای خود ۱۰ مایل ساحلی به صورت انحصاری به خود اختصاص دهند و استفاده از سایر قسمت‌های دریا متعلق به همه کشورها می‌باشد و همه دولت‌های ساحلی از حاکمیت مشترک برخوردارند.

در جریان اجلاس پنج کشور ساحلی در عشق آباد ترکمنستان در مورخه یازدهم و دوازدهم نوامبر ۱۹۹۶ یوکنی پریماکف وزیر خارجه اعلام کرد روسیه آمادگی دارد که بر ۴۵ مایل دریایی به عنوان منطقه تحت صلاحیت توافق نماید و حقوق دولت‌های ساحلی را در استخراج نفت در مناطقی که آنها ادعا نمودند که جزء مناطق ملی‌شان می‌باشد، مورد تأیید قرار می‌دهد. در سال بعد روسیه و قزاقستان موافقتنامه‌ای راجع مناطق ملی بستر امضاء نمودند که به موجب طرفین توافق کردند قسمت شمالی دریای خزر و زیر بستر آن، بدون خلل در استفاده مشترک مستمر از آب‌های سطحی، از جمله حمایت از آزادی دریانوردی، سهمیه ماهیگیری و حفاظت زیست محیطی، باید میان طرفین در امتداد خط میانه تعدیل شده بر مبنای اصل عدالت و توافق طرفین تحدید شود. (۳۰)

در زمان دیدار رئیس جمهور روسیه از آذربایجان در نهم و دهم ژانویه ۲۰۰۱، روسیه با آذربایجان به هنگامی که رؤسای جمهور دو کشور بیانیه راجع به اصول همکاری در دریای خزر را امضا کردند، به چنین توافق مشابهی دست یافتند علاوه بر توافق دوجانبه روسیه با قزاقستان و روسیه با آذربایجان در نشست سه روزه آلمانی در می ۲۰۰۳ روسیه و آذربایجان و



قزاقستان بر تقسیم ذخایر نفت و گاز در بخش‌های شمالی و مرکزی دریای خزر قرار دادی را امضا کردند. (۱)

۲- قزاقستان

بایان موافقتنامه‌های منعقد فی مابین روسیه و قزاقستان عقیده دولتمردان قزاق هویدا شده است ولی بانظر افکنی بر دیدگاه قبلی قزاقستان درخواست یافت که قزاقستان نیز همچون سایر دول ساحلی موضع غیر ثابت و متحولی را اتخاذ نموده است.

قزاقستان تا قبل از انعقاد توافقات فوق‌الذکر همواره تمایل به اعمال مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها داشته است. بنظر دولت قزاقستان دریای خزر مطابق با ماده ۱۲۲ کنوانسیون حقوق دریاها منطبق با تعریف دریای بسته یا نیمه بسته می باشد بنابر این پیشنهاد می‌نماید که بستر و منابع آن میان همه دولت‌های ساحلی در طول خط میانه منطبق با حقوق بین‌الملل دریاها تقسیم شود. بر همین اساس هر دولت ساحلی در خزر می‌تواند بر دریای سرزمین، منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه ماهیگیری تحت صلاحیت ملی به خود اختصاص دهد و باقیمانده دریا و سطح آن برای کشتیرانی و ماهیگیری و استفاده از منابع زنده به روی کشورهای ساحلی باز باشد. همچنین کشورهای ساحلی محصور از طریق آبراه‌های روسیه از طریق موافقتنامه‌های جداگانه به دریاها و آقیانوسها را داشته باشند. (۳۲)

۳- ترکمنستان

در میان پنج کشور حاشیه دریای خزر، ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که ترکمنستان دیپلماسی آرام را پیشه روی خود ساخته است و همانند بقیه کشورها برای تعیین چهار چوبه حقوقی بین‌المللی خزر عجله ندارد.

هر چند تصویب قانونی در سال ۱۹۹۲ در ترکمنستان، منطقه‌ای به گستره ۱۲ مایل از خط کرانه‌ای در دریای خزر (و بعداً ۴۵ مایل) را منطقه آبهای سرزمینی آن کشور اعلام کرد. تصویب این قانون گویای پشتیبانی ترکمنستان از دیدگاه مربوط به تقسیم دریا در منطقه پیوسته به کرانه‌ها است. (۱۸)

به عبارتی این جمهوری منطقه ساحلی با عرض فوق را منطقه انحصاری و تحت حاکمیت خود تلقی نموده است و مابقی را در مالکیت مشترک سایر کشورهای ساحلی قلمداد می‌نماید. با این حال جمهوری ترکمنستان نیز همانند جمهوری قزاقستان و آذربایجان امتیازاتی را

برای اکتشاف، استخراج و صدور نفت به شرکتهای نفتی باختر زمین واگذار کرده است. آشکار است که دادن امتیاز استخراج و صدور نفت با ویژگیهای چنین با ایده مشاع بودن رژیم حقوقی دریای خزر تناقض دارد و در عین حال عشق آباد به اعتبار حقوقی تلاشهای اکتشافی کمپانیهایی که از جمهوری آذربایجان امتیاز گرفتهاند اعتراض دارد و مدعی است برخی از این تلاشها نافض حقوق ترکمنستان است. به همین دلیل بود که عشق آباد در اکتبر سال ۲۰۱۰ از سازمان ملل متحد خواست برای حل مسئله رژیم حقوقی دریای خزر مداخله کند. (۱۹)

حاصل سخن آن که موضع ترکمنستان اگرچه بدوا بر رژیم دوگانه خاص مبنی بر حاکمیت انحصاری بر آبهای ساحلی با عرض معین همراه بوده است ولی به تدریج این دولت نیز به بقیه کشورهای ساحلی (به استثنای ایران) می پیوندد که خواهان تقسیم بستر دریا به طور کامل می باشند.

۴- آذربایجان

آذربایجان معتقد است که دریای خزر باید به عنوان یک یک دریاچه مرزی بین المللی و فاقد هرگونه پیوند با اقیانوسها محسوب شود از سوی سرزمینهای پنج کشور محاط شده است و بهمین دلیل باید مطابق رویه بین الملل معمول راجع به دریاچه های مرزی بر مبنای خط میانه تقسیم شود. از قبیل دریاچه چاد، دریاچه ژنو و برخی دیگر. به علاوه رویه بین المللی نشان می دهد که نه فقط دریاچه ها بلکه دریای بسته و نیمه بسته مثل دریای سیاه و بحرالمت میانه دولت های حاشیه ای مطابق با همان اصل یعنی از خط میانه، تقسیم شدند. (۳۳)

معاهدات اتحاد جماهیر شوروی و ایران گویای آن است که دریای خزر متعلق به دو کشور است و عملاً آنان حاکمیت برابراشان را به قطعات ملی تقسیم شده بوسیله خط آستارا - غازان قلی گسترش دادند. (۱۷)

نظر بر اینکه بخش اعظم و معتنابهی از مخازن نفت و گاز دریای خزر در سواحل جمهوری آذربایجان وجود دارد این جمهوری علیرغم امضاء بیانیه آلماتا و اعلام پایبندی به معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ یکی از طرفداران سرسخت تقسیم دریای خزر است و بهمین دلیل نسبت به کشورهای دیگر در واگذاری استخراج و صدور نفت و گاز در دریای خزر پیشتازی کرده است، به نحوی که دولت امریکا به لحاظ سرمایه گذارهای وسیع، از موضع آذربایجان حمایت به عمل می آورد.



در یک تعبیر ساده و روشن می‌توان گفت که پافشاری آذربایجان بر سهم در دریای خزر در وهله اول بر ملاحظات اقتصادی و سپس ملاحظات جغرافیایی و سیاسی استوار است. (۳۴)

۵- ایران

دولت ایران همانند روسیه بر اعتبار معاهدات تأکید داشته و دارد. اما عمل‌چون شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر حل معضل حقوقی دریای مازندران تقسیم دریا را هدف قرار داده است بنابراین دولت ایران را نیز متأثر ساخته‌اند. به عبارتی ایران ابتدائاً دیدگاهی مبنی بر وضعیت مالکیت مشترک داشته است، اما تدریجاً به تأسی از چهار کشور دیگر نظریات ابرازی کنونی حول محور تقسیم مطرح می‌گردد.

موضع فعلی دولت ایران آن است که دریای خزر، یک دریای مشترک است اما اگر قصد تقسیم آن به بخشهای ملی شود، در این صورت ایران حداقل یک سهم برابر با دیگران را داراست، یعنی ۲۰٪ از هر چیزی. (۲۵)

به نظر جمهوری اسلامی ایران تنها یک رژیم حقوقی واحد حاکم بر کلیت دریا اعم از آب و بستر و زیر بستر خواهد شد. به عبارت دیگر تمامی دریا، آب، بستر و زیر بستر یا مشاع خواهد بود و یا تقسیم خواهد شد. ترجیح ما مشاع بود اگر دیگران تقسیم کامل بنخواهند برای ما هم قابل بررسی است لکن رژیم دوگانه بر آب و بستر و زیر بستر را نمی‌پذیریم.

آقای خاتمی رئیس جمهور ایران در ۱۶ می ۲۰۰۲ میلادی طی سخنانی در بندر نوشهر اعلام داشت که جمهوری اسلامی ایران مخالف هرگونه اقدامات یکجانبه در تعیین رژیم حقوقی خزر است وی همچنین اظهار داشت که معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ معین بوده و هرگونه اقدام برای تعیین رژیم حقوقی خود باید بر این دو معاهده مبتنی باشد. ایران از حقوق طبیعی خود در دریای خزر کوتاه نمی‌آید و برای دستیابی به یک توافق در تعیین رژیم حقوقی با سایر دول حاشیه‌ای تلاش می‌نماید. به نحوی که کشورهای این منطقه منصفانه از منابع خدادادی بهره‌مند شوند. (۳۵)

ب- رژیم حقوقی نوین و سخن نهائی

وضعیت نوین و حادث شده در منطقه بحر خزر به خوبی بر ضرورت تأسیس و بنای ساختار حقوقی از نوعی دیگر دلالت دارد و نشان می‌دهد که ساختار حقوقی ممکن گرچه

معتبر و واجد اثر حقوق مطابق معیارهای بین‌المللی است لکن با در نظر گرفتن کثرت موضوعات، نمی‌تواند پاسخگو حواجی دول منطقه به صورت مستقیم و برای سایر کشورها به صورت غیر مستقیم باشد.

بر همین مبنا نظام حقوق تازه صرف نظر از اینکه باید جامع همه ابعاد مورد خواست دولتهای منطقه به جز موضوعات کهن نظیر ماهیگیری و دریا نوردی باشد باید ناظر بر نحوه اعمال حاکمیت کشورهای حاشیه‌ای بر دریا نیز باشد.

تا قبل از سال ۱۹۹۸ مواضع حقوقی مشترک ایران و روسیه بر رژیم استفاده مشترک از دریای خزر و عدم تقسیم آن تأکید داشته که منعکس‌کننده مواضع اقلیت کشورهای ساحلی دریای خزر بوده است.

در حالیکه طی همان دوره مواضع حقوقی مشترک آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان رژیم افراز را در نظر داشته که نشان دهنده مواضع اکثریت کشورهای ساحلی بوده است. به رغم در اقلیت بودن رژیم استفاده مشترک از دریای خزر یا حتی رژیم به دلیل جایگاه ویژه روسیه به عنوان کشور ساحلی که عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان می‌باشد تا سال ۱۹۹۸ از اهمیت خاصی بر خوردار بود. ولی با تقسیمی که با توافق روسیه و قزاقستان (رژیم افراز که دریای خزر در بخش شمالی آن) صورت گرفت. این وضعیت از سال ۱۹۹۸ به بعد روند معکوس به خود گرفت. ضمناً همین عملکرد با تقسیمی که جدیداً بین روسیه و آذربایجان صورت گرفت به بخش مرکزی دریای خزر نیز سرایت کرد. ۲۶ در بحث مواضع کشورهای ساحلی آمده است که در حال حاضر دیدگاه آنان به سمت افراز و تقسیم دریای خزر متمایل است و به نظر می‌رسد که دیگر در اساس گرایش آنان بر تقسیم دریا اختلافی وجود ندارد و این کشورها در صدد رسیدن به راه حلی هستند که تقسیم مورد رضایت کشورها چگونه امکانپذیر است.

گزینه‌های متنوعی در ارتباط با رژیم حقوقی نوین وجود دارد که عبارتند از:

- ۱ - تقسیم کل دریا
- ۲ - تقسیم بستر دریا و حفظ آبهای سطحی به نحو مشاع
- ۳ - تقسیم مطابق با قواعد مقرر در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد راجع به حقوق دریاها
- ۴ - تقسیم دریا بر اساس خط میانه تغییر یافته
- ۵ - تقسیم دریا به بخشهای ۲۰٪



۶ - تقسیم دریا در ابتدا به بخشهای شمالی و جنوبی و سپس تقسیم مجدد آن بخشها میان دولتهای مربوطه. (۲۷)

تطبیق راه حلهای ارائه شده فوق‌الذکر با مواضع دولتهای حاشیهای و رویه عمل آنها این است که ایران هر چند با تأخیر با دول دیگر در تقسیم دریای خزر همساز شده است و در میان پنج کشورهای ساحلی سخن از تقسیم دریا و اختصاص سهم ۲۰٪ برای هر یک از کشورهای ساحلی به میان آورده است که در واقع نشان دهنده آن است که ایران قایل به گزینه نخست یعنی تقسیم کل دریا می باشد و استدراک ما از موضع سایر دول آن است که آنان آشکارا از تقسیم بستر دریا سخن رانده اند و در خصوص آبهای سطحی می توان گفت که موضوع را به سکوت برگزار نموده اند.

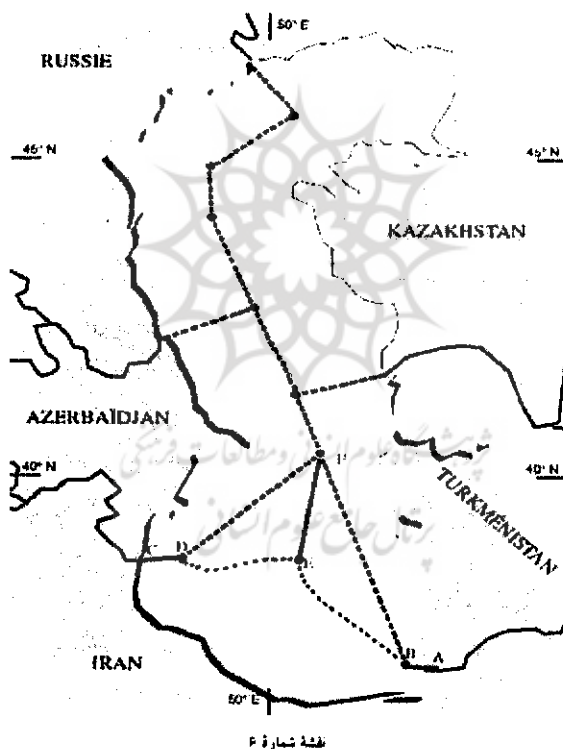
به نظر می‌رسد که نمی‌توان از فرمول واحدی در تقسیم دریا استفاده کرد. چه آنکه عوامل مختلفی مثل، طول سواحل هر یک کشورها و شکل آنها، استقرار منابع معدنی (نفت و گاز) در مناطق معین و فقدان آنها در قسمتهای دیگر دریا، مانع از آن هستند که براحتی بتوان مثلا از طریق ترسیم خط میانه و قاعده آن، دریا را تقسیم نمود.

بدیهی است برای رسیدن به یک نظام جامعی از تقسیم دریا که مشعر و ناظر بر منافع همه دول ساحلی باشد، مسلماً باید عوامل فوق‌الذکر به عنوان (شرایط ویژه) کشورهای ساحلی ملحوظ شود و کشورهای ساحلی در بیان موضع خویش به این عوامل توجه نمایند تا در نتیجه این انعطاف امکان دستیابی به نقطه مشترک وجود داشته باشد. به بیان دیگر، هنگامیکه اعمال هر یک از شیوه‌های یاد شده منتهی به یک راه حل مبتنی بر انصاف عدالت نمی‌گردد، باید چنان عمل کرد یا به راه حلهای متنوعی و یا احتمالاً نا همسان متمسک شد که نهایتاً به راه حلی منصفانه بیانجامد.

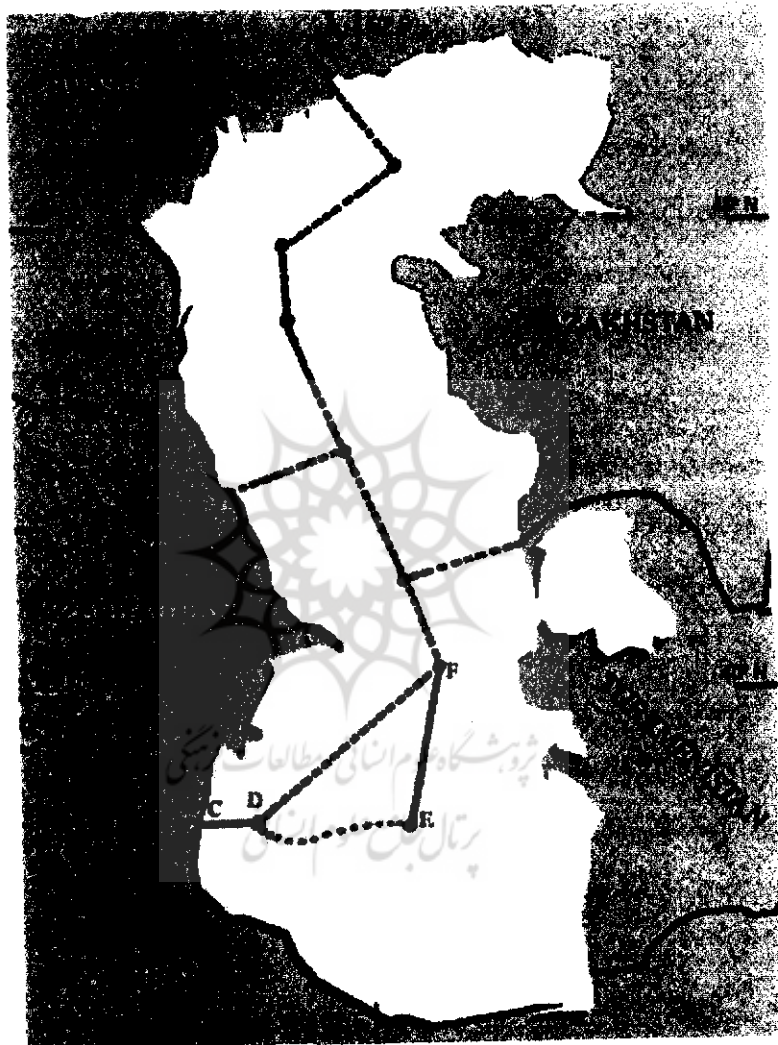
بر این اساس اصرار دولت ایران بر تخصیص سهم معینی از قبیل ۵۰٪ یا ۲۰٪ و یا ادعای مقامات آذری دال بر اینکه سهم ایران در پایین خط فرضی مرزی حسینقلی - آستارا قرارداد متناسب با انعطافی نیست که در چنین قضایایی بسیار مهم تلقی می‌شود.

از برآیند مواضع کشورها و پیشنهادات مطروحه از سوی کارشناسان و متخصصین می‌توان این‌گونه برداشت کرد، همانطور که بیان شد به نظر می‌آید راه حل واحدی نمی‌تواند چاره کار در بحث این پدیده و تقسیم آن باشد بر همین منوال در موضوعات مختلف باید جداگانه عمل کرد. مثلا در موضوع استفاده از منابع اعم از زنده و غیر زنده می‌توان دریا را بر

اساس خط میانی تغییر یافته به لحاظ اوضاع و احوال و شرایط ویژه، خاصه در نیمه جنوبی آن تقسیم کرد و در خصوص استفاده از دریا به منظور حمل و نقل و کشتیرانی، تقسیم مشاعی را چاره کار دانست و با توجه به محصور بودن دریا، کشورهای حاشیه ای به موجب معاهده ای خود را پایبند به مقررات الزام آوری در زمینه حفاظت از محیط زیست آن نماید و زمینه های اجرایی آن را از طریق وضع قوانین داخلی فراهم آورده و در این رابطه تأسیس یک سازمان بین‌المللی منطقه‌ای برای نظارت بر امر اجرای تکالیف دولتها می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد.



الگویی از تحدید حدود دریای خزر بین پنج کشور ساحلی، به‌خصوص در بخش جنوبی آن براساس «اصول منصفانه» در حقوق بین‌الملل. تحدید حدود با اعمال اصل خط متساوی‌الفاصله در بخش جنوبی موجب پیمایش دو خط ABE بین ایران و ترکمنستان و CDE بین ایران و آذربایجان خواهد شد. آثار انحرافی و غیرمنصفانه این خطوط متساوی‌الفاصله با توجه به محصور بودن ایران بین آذربایجان و ترکمنستان و نیز مقرر بودن ساحل ایران، موجب محدود کردن سهم ایران به فضای احاطه شده توسط نقاط ABEDCA خواهد شد. برعکس، با توجه به «شرایط ویژه» و کنار گذاشتن روش خط متساوی‌الفاصله و اعمال «اصول منصفانه»، سهم ایران افزایش یابنده و شیبه به فضای محدود شده توسط نقاط ABFDCA خواهد شد. اما می‌توان همسواره از روش خط متساوی‌الفاصله برای تحدید حدود آبهای ساحلی در نزدیکی سواحل کشورهای ساحلی، نظیر خطوط AB و CD استفاده نمود (راه‌حل تطبیقی شیبه به تحدید حدود مورد ادعای آلمان در قضایای تحدید حدود دریای شمال در ۱۹۶۹). سهمیه‌ای که بدین صورت تحت‌عنوان سهمیه منصفانه مورد ادعای ایران قرار بگیرد، شاید بتواند سهمی معادل ۲۰٪ دریای خزر باشد.



نقشه شماره ۷

الگوی از تقسیم و تحدید حدود بخشی از دریای خزر بین بعضی کشورهای ساحلی و نیز حاکمیت مشترک یا رژیم کندومینیوم بین سایر کشورهای ساحلی، درحالی که بخشی از دریای خزر به صورت دوجانبه بین کشورهای ساحلی در امتداد محور شمال به جنوب مطابق روش خط میانی تقسیم شده است، بخشی جنوبی می‌تواند تحت حاکمیت مشترک ایران و ترکمنستان قرار گیرد.

منابع و ماخذ:

- ۱- اعتماد. روزنامه صبح ایران. سال اول. شماره ۲۶۵. ۱۳۸۲/۲/۲۸. ص ۱.
- ۲- افشار (سیستانی)، ایرج. دریای مازندران. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. وزارت امور خارجه. ۱۳۸۱.
- ۳- افشار (سیستانی)، ایرج. همان منبع. صص ۳۹-۳۶.
- ۴- افشار (سیستانی)، ایرج. همان منبع. ص ۲۰۹.
- ۵- آقائی، بهمن. رژیم حقوقی دریای مازندران. مجله حقوقی. دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران. شماره هشتم. بهار - تابستان ۶۶. ص ۱۸۶.
- ۶- آقائی، بهمن. همان منبع. ص ۱۸۷.
- ۷- آقائی، بهمن. همان منبع. ص ۱۸۸.
- ۸- آقائی، بهمن. مجموعه مقالات حقوق بین‌الملل دریاها و مسائل ایران. نشر گنج دانش. ۱۳۷۴. ص ۲۰.
- ۹- آقائی، بهمن. همان منبع. ص ۳۳.
- ۱۰- توحیدی، احمد. مسئله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و حقوق بین‌الملل. خلاصه مقالات همایش بین‌المللی دریای خزر. دانشگاه مازندران. ناشر شلفین. چاپ اول. ۱۳۸۲. ص ۶۳.
- ۱۱- دانه کار، افشین. پیشگیری از بحران زیست محیطی در دریای خزر. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. وزارت امور خارجه. شماره ۲۱. بهار ۱۳۷۷. ص ۱۲۰.
- ۱۲- دانه کار، افشین. همان منبع. ص ۱۱۹.
- ۱۳- رئیس دانا، فریبرز. همگرایی برپایه نگین خزر. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۱۴. تابستان ۱۳۷۵. صص ۲۶۸ - ۲۶۶.
- ۱۴- ضیائی بیگدلی، محمد رضا. حقوق بین‌الملل عمومی. انتشارات گنج دانش. چاپ شانزدهم. ۱۳۸۱. ص ۱۳۴.
- ۱۵- طلائی، فرهاد. وضعیت حقوقی دریای خزر یک ضرورت برای رژیم حقوقی جدید و فراگیر. مترجم محمد مهدی کریمی‌نیا. بانک اطلاعات مقالات حقوقی. ماهنامه دادگستر. شماره ۲. شهریور ۱۳۷. ص ۵.
- ۱۶- کاظم پور اردبیلی، حسین. رژیم حقوقی خزر. توسعه منابع و خطوط انرژی. مجله آسیای



- مرکزی و قفقاز. شماره ۲۱. بهار ۱۳۷۷. ص ۴۷.
- ۱۷- کلاوسون، پاتریک. ایران و حوزه دریای خزر. نفت و گاز. مترجم قاسم ملکی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. وزارت خارجه. شماره ۲۱. بهار ۱۳۷۷. ص ۱۴۹.
- ۱۸- مجبهدزاده، پیروز. حلقه مفقود شده در مناقشه خزر. روزنامه ایران. سال هشتم. شماره ۲۰۹۹. ۸۱/۲/۲۸. ص ۸.
- ۱۹- مجبهدزاده، پیروز. همان منبع.
- ۲۰- مولائی، یوسف. حاکمیت ملی و رژیم حقوقی دریای خزر. نشریه چشم‌انداز ایران. شماره ۹. ۱۳۸۰. ص ۱۴.
- ۲۱- مولائی، یوسف. همان منبع. ص ۱۵.
- ۲۲- مولائی، یوسف. همان منبع. ص ۱۵.
- ۲۳- نویسنده نامعلوم. نگاهی به نظام حقوقی دریای خزر و مسائل مربوط به آن (بانک اطلاعات مقالات حقوقی). مجله کانون وکلای دادگستری مرکز. شماره ۱۷۲. سال ۱۳۸۰. ص ۱.
- ۲۴- نویسنده نامعلوم. نگاهی به نظام حقوقی دریای خزر و مسائل مربوط به آن. همان منبع. ص ۱.
- ۲۵- ویژه‌نامه «سمپوزیم ژئوپولیتیک خزر» کمیته آموزشی. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مازندران. ص ۵.
- 26- Abbas malki, «caspien sea and foreign policy of islamic Republic. Iran, jomhuri eslami (morniny daily) Tuesday, Oct, 23, 2001, Vol. 23, No. 6474, Page : 3.
- 27- Bahman Aghai Diba , the legal Regime of the caspien sea & Recent incident Between Azerbaijan and Iran , speech in the Middle East Instiute, washington , Dc 19 september 2001.
- 28- Bahman Aghai Diba , the legal Regime ... Speech .. washington DC.
- 29- Farid Rauf oglu shafiyev, the leagal Regime of the caspien sea :views of the littoral states, prism volume 7, issue 6, june 30 / 2001 p . 2.
- 30- fraid Rauf , P 3.
- 31- Ibid . p 2.
- 32- Ibid , 5.
- 33- Ibid , 6.
- 34- Ibid 687.
- 35- TEHRAN TIMES, 16 May 2002.

The legal regime of the caspian sea

Sayyed Hadi Pazhooman

The caspian sea as the largest lake in the world with collapsion one of the most important political regime, not only the same physical hegemony but also the more important nominated itself to people of the world and such as that at the present has changed the verified aspects to one of the leading center in the world. In this paper, in addition to considering importance and the place of this sea has been deliberated to the present legal regime and that is necessary to constitute legal building from, another kind based on the view of fives coastal contries. finally, althought there is problems among coastal, but verification process is such as all contries interst in divide this sea not regard to division quality.

Kay word:

legal regime, caspian sea, division, coastal countries.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی